پژوهشنامه حج و زیارت
سال دهم، شماره بیست و ششم
بهار و تابستان ۱۴۰۴
صفحات ۱۸۵ - ۲۰۹

سیره نبوی در بهره‌گیری از مسجدالنبی به‌عنوان کانون هدایت و تعامل فرهنگی - سیاسی غیر مسلمانان

محمدرضا زارع خورمیزی[۱]

چکیده

مسجدالنبی در عصر پیامبر اکرم ﷺ تنها مکانی برای عبادت نبود، بلکه نهادی بود که در عرصه‌های هدایت دینی، تعاملات اجتماعی، گفتگوی فرهنگی و مدیریت روابط سیاسیِ جامعه نوپای اسلامی عمل می‌کرد. پژوهش حاضر با رویکرد تاریخی و به شیوه توصیفی ـ تحلیلی، در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که سیره نبوی در بهره‌گیری از مسجدالنبی به‌عنوان بستری برای تعامل فرهنگی ـ سیاسی با غیر مسلمانان چگونه بود؟

داده‌های پژوهش با مطالعه کتابخانه‌ای و تحلیل محتوای منابع دست اول تاریخی و سیره‌ای گردآوری شده و با بهره‌گیری از روش تطبیقی و تاریخ‌نگاری انتقادی بررسی شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد پیامبر اکرم ﷺ با رویکردی هدفمند، هدایت‌محور و انسان‌گرا از مسجدالنبی به‌عنوان محوری برای دعوت، گفتگو، ابلاغ پیام اسلام و تثبیت نظم سیاسی بهره می‌گرفت. غیر مسلمانان نیز ــ اعم از مشرکان، اهل کتاب و وفود قبایل ــ به‌صورت فردی یا گروهی و با

۱ استادیار دانشکده علوم اسلامی دانشگاه بین المللی اهل بیت علیهم‌السلام، تهران.
(khormizi@abu.ac.ir)

اهدافی مانند اسارت، انتقال پیام، مذاکره سیاسی، حقیقت‌جویی، شنیدن کلام الهی، داوری و گفتگوهای فرهنگی ـ دینی در مسجدالنبی حضور می‌یافتند. این تجربه تاریخی نشان می‌دهد که مسجدالنبی پل ارتباطی میان اسلام و دیگر ادیان و فرهنگ‌ها بوده و در گسترش، تثبیت و نهادینه‌سازی جامعه و حکومت اسلامی نقشی مؤثر ایفا کرده است.

کلیدواژه: مسجدالنبی، غیر مسلمانان، وفود، دیپلماسی پیامبر ﷺ، حکمرانی مسجدمحور.

مقدمه

یکی از مسائل مهم در تاریخ اجتماعی صدر اسلام، کیفیت تعامل جامعه نوپای اسلامی با غیر مسلمانان در فضاهای مقدس، به‌ویژه مسجدالنبی در مدینه است. مسجدالنبی در عصر پیامبر اکرم ﷺ تنها مرکز عبادت و تعلیم دینی نبود، بلکه نهادی چندکارکردی به شمار می‌رفت که در آن هدایت، آموزش، مدیریت اجتماعی، گفتگوی فرهنگی و سامان‌دهی مناسبات سیاسی و دیپلماتیک در هم تنیده بود.

بازخوانی گزارش‌های تاریخی درباره حضور و ورود غیر مسلمانان اعم از وفود قبایل، هیئت‌های سیاسی، نمایندگان حکومت‌ها، اسیران جنگی و حقیقت‌جویان بادیه‌نشین به مسجدالنبی، افق‌های تازه‌ای از راهبرد دعوتی و تربیتی پیامبر ﷺ و بهره‌گیری او از موقعیت ممتاز مسجد برای ارتباط‌گیری و اثرگذاری اجتماعی آشکار می‌سازد؛ با این حال، محور این مقاله «اصل حکم فقهی جواز یا منع» ورود غیر مسلمانان نیست، بلکه تمرکز آن بر «سیره و راهبرد نبوی در چگونگی مواجهه با حضور آنان و کارکردهای فرهنگی ـ سیاسی این حضور در مسجد» است. ازاین‌رو مسئله اصلی پژوهش، تبیین تاریخی الگوهای رفتاری پیامبر ﷺ در مدیریت این حضور و تحلیل نقش مسجدالنبی به‌عنوان عرصه‌ای برای دعوت، گفتگو و تعامل اجتماعی است.

گفتنی است این موضوع به حوزه فقه نیز پیوند می‌خورد؛ زیرا بحث ورود غیر مسلمانان به اماکن مقدس همچنان محل گفتگوست و فهم دقیق آن نیازمند اتکا به داده‌های مستند کتاب، سنت، اجماع و عقل درباره موضوع است. با این حال، این پژوهش به دنبال بحث فقهی نیست، بلکه به رویکرد تاریخی موضوع می‌پردازد و می‌کوشد بر پایه منابع معتبر سیره و تاریخ، تصویری روشن و مستند از کیفیت و گستره حضور غیر مسلمانان در مسجدالنبی و کارکردهای آن ارائه کند. پرسش محوری این است که بر اساس گزارش‌های معتبر تاریخی، حضور غیر مسلمانان در مسجدالنبی در زمان پیامبر اکرم ﷺ چگونه صورت می‌گرفته و این حضور چه کارکردهایی در روند دعوت، دیپلماسی قبیله‌ای، تربیت اجتماعی و تثبیت نظم جامعه اسلامی داشته است؟ فرضیه اصلی بر آن است که این حضور امری هدفمند و هدایت‌محور بوده و عمدتاً در قالب پذیرش وفود، گفتگوهای تبلیغی، تعاملات سیاسی و مواجهه‌های تربیتی مدیریت می‌شده است.

محدوده زمانی پژوهش دوره مدنی پیامبر ﷺ از سال ۱ تا ۱۱ هجری قمری و محدوده مکانی آن مسجدالنبی در مدینه است.

پیشینه پژوهش

از دیرباز محققان حوزه فقه و تاریخ موضوع ورود غیر مسلمانان به اماکن مقدس اسلامی، به‌ویژه مسجدالنبی ﷺ در عصر نبوی، را بررسی کرده‌اند. مطالعه آثار موجود نشان می‌دهد که بیشتر پژوهش‌ها یا رویکردی فقهی داشته‌اند و بر اساس آیات و روایات به استنباط حکم شرعی پرداخته‌اند، یا از زاویه‌ای تاریخی ـ اجتماعی به حضور هیئت‌های غیر مسلمان در مسجدالنبی ﷺ نگریسته‌اند.

در حوزه آثار تاریخی، کتاب تاریخ حرمین شریفین اثر عبدالله بن محمد الغازی المکی (مکتبة النهضة الحدیثة، ۱۹۸۰) به تاریخ مکه و مدینه پرداخته و به نمونه‌هایی

از حضور غیر مسلمانان در مدینه و مسجدالنبی در صدر اسلام اشاره دارد؛ هر چند تحلیل مستقلی از این موضوع ارائه نمی‌کند. کتاب تاریخ تمدن اسلام نوشته جرجی زیدان (ترجمه علی جواهرکلام، امیرکبیر، ۱۳۶۵) ضمن بیان تعاملات اجتماعی مسلمانان و غیر مسلمانان، به حضور هیئت‌های سیاسی در مسجدالنبی می‌پردازد، ولی اطلاعات آن کلی و غیرنظام‌مند است.

در بخش مقالات فقهی، مقاله «ورود کافران به مساجد و اماکن مقدس»، نوشته محمدحسن نجفی در فصلنامه فقه (۱۳۷۵، ش۱۰) از مهم‌ترین پژوهش‌هاست. نجفی با بررسی آرای فقهای شیعه و سنی درباره ورود غیر مسلمانان به مساجد، به شواهد تاریخی حضور مشرکان و مسیحیان در مسجدالنبی در زمان پیامبر ﷺ اشاره کرده و نتیجه گرفته است که ورود غیر مسلمانان به مسجد گاه با اهداف تبلیغی، سیاسی یا گفتگوهای دینی مجاز شمرده می‌شده است. مقاله «ورود جهانگردان غیر مسلمان به مکان‌های مقدس» از همین نویسنده در مجله میقات حج (۱۳۷۷، ش۱۰) با تأکید بر سیره نبوی، نمونه‌هایی از ورود هیئت‌های غیر مسلمان به مسجدالنبی را مطرح کرده و آن را مبنایی برای تحلیل‌های فقهی دانسته است. این مقاله اهمیت ویژه‌ای در پیوند زدن داده‌های تاریخی با مباحث فقهی دارد؛ هرچند فاقد تحلیل تطبیقی جامع است.

در پژوهش‌های دانشگاهی نیز پایان‌نامه اکبر ستاری با عنوان «احکام گردشگری غیر مسلمانان در بلاد و اماکن مقدس اسلامی در فقه فریقین و حقوق موضوعه ایران» (دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، ۱۳۹۲) قابل ذکر است. ستاری تمرکز اصلی را بر مباحث فقهی معاصر قرار داده، اما در مقدمه و طرح مسئله به نمونه‌های تاریخی از ورود غیر مسلمانان به مسجدالنبی ﷺ نیز می‌پردازد.

جمع‌بندی پیشینه نشان می‌دهد که آثار موجود هرچند به ابعاد فقهی و فرهنگی ورود غیر مسلمانان به اماکن مقدس پرداخته‌اند، اما پژوهشی که با تمرکز ویژه بر سیره

پیامبر ﷺ در عصر مدنی و بر اساس گزارش‌های دست‌اول تاریخی، مصادیق مشخص حضور غیر مسلمانان در مسجدالنبی را گرد آورد و تحلیل کند، کمتر صورت گرفته است. ازاین‌رو مقاله حاضر تلاشی در جهت پر کردن این خلأ پژوهشی است.

روش تحقیق

این پژوهش بر پایه روش توصیفی ـ تحلیلی سامان یافته است. داده‌های اصلی تحقیق از منابع تاریخی معتبر صدر اسلام (همچون سیره ابن هشام، طبقات ابن سعد، تاریخ طبری و آثار متأخر مرتبط با تاریخ مدینه و حرم نبوی) استخراج شده‌اند. برای اعتبارسنجی داده‌ها، روایات مختلف در منابع دست‌اول را مقایسه، و سلسله سند و محتوای آنها را نیز بررسی کرده‌ایم. علاوه بر منابع کلاسیک، از تحقیقات و آرای معاصران نیز بهره برده‌ایم؛ از جمله مطالعاتی که به بررسی زمینه‌های تاریخی ظهور اسلام (Al-Azmeh, ۲۰۰۸)، شیوه‌های دیپلماتیک پیامبر در مدینه (Hussein, ۲۰۲۱)، تطبیق فقه و روایت‌های تاریخی (Rahman, ۲۰۲۲) و حضور غیر مسلمانان در مسجدالنبی با نگاه تاریخی و حقوقی (Ahmed, ۲۰۲۰) پرداخته‌اند.

ابزار اصلی گردآوری داده‌ها مطالعه کتابخانه‌ای بوده و روش تحلیل محتوا برای استخراج مصادیق تاریخی ورود غیر مسلمانان به مسجدالنبی به‌کار گرفته شده است. محدوده زمانی پژوهش به عصر نبوی (به‌ویژه دوره مدنی) محدود می‌شود و محدوده مکانی بر مدینه و مسجدالنبی تمرکز دارد.

در این پژوهش تلاش شده است ترتیب تاریخیِ مصادیق ورود غیر مسلمانان به مسجدالنبی در عصر نبوی رعایت شود و هر مصداق به منابع تاریخی، سیره‌ای و حدیثی مستند گردد. بسیاری از گزارش‌های مربوط به وفود قبایل و حضور اقوام و افراد غیر مسلمان در مسجدالنبی در منابع کهن به‌صورت فهرست‌وار یا تفصیلی نقل شده‌اند. برخی موارد خاص، مانند اقامه نماز اهل کتاب در مسجدالنبی، از حیث

اعتبـار سـندی محـل بحث‌انـد؛ بـا این حـال، فراوانی نقـل این‌گونـه گزارش‌هـا در منابع متعدد می‌تواند موجب حصول شهرت روایی، و چه بسا اطمینان به اصل وقوع آنها شود. ازایـن‌رو در ایـن پژوهش مصادیقی گزارش شـده‌اند که در بیشـتر منابـع معتبر تاریخی و سیره‌ای ذکر شده‌اند.

گونه‌شناسی مصادیق تاریخی ورود غیر مسلمانان به مسجدالنبی

حضـور غیـر مسـلمانان در مسـجدالنبی در عصـر رسـالت را می‌تـوان در چارچوبی نظام‌مند به دو گروه اصلی تقسـیم‌بندی نمود: ورود در قالب هیئت‌های رسـمی و وفود، و حضـور فـردی و غیروفـود، هر یک از این دسـته‌بندی‌ها مشـتمل بـر زمینه‌های متعدد و ده‌هـا مصداق مسـتند تاریخی اسـت که بـرای رعایت اختصار و تمرکـز بر بار تحلیلی مقالـه، بـرای هر یـک از دو گروه اصلی، چند زمینه و مصداق آن مورد بررسـی قرار خواهد گرفت.

۱. زمینه‌های ورود غیر مسلمانان به مسجدالنبی غیر از وفود

الف) زمینه اسارت

مصادیـق آوردن غیـر مسـلمانان به مسـجدالنبی به‌عنوان اسـیر، نشـان‌دهنده نقش آموزشـی و تربیتـی این مسـجد در دوران پیامبر اسـلام ﷺ اسـت. یکی از برجسـته‌ترین نمونه‌هـا ماجـرای ثمامـة بـن أُثـال، از بـزرگان قبیلـه بنی‌حنیفـه، اسـت. وی در یکـی از مأموریت‌های نظامی مسـلمانان به نجد در سـال ششم هجری اسیر شد و او را به مدینه آوردند. سپس به یکی از ستون‌های مسجدالنبی بستند. ثمامه چند روز در مسجد ماند و از نزدیـک شـاهد عبـادت، اخلاق و رفتار مسـلمانان بود. پیامبر اکـرم ﷺ پس از چند روز دستور آزادی او را صادر کرد. ثمامه پس از آزادی، به باغی نزدیک مسجد رفت، غسل کرد و سـپس به مسـجد بازگشـت و با گفتن شـهادتین اسـلام آورد. (ابن هشام، ۱۳۸۳، ج

۲، ص ۶۳۹) این واقعه در منابع حدیثی، از جمله صحیح بخاری (بخاری، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۱۲۳) و روضه کافی (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۳۰۰) نیز گزارش شده است.

تحلیل این واقعه نشان می‌دهد که حضور موقت غیر مسلمان در مسجد، حتی در جایگاه اسیر، می‌توانست با هدف تربیت، هدایت و فراهم کردن زمینه آشنایی مستقیم او با حقیقت اسلام صورت گیرد. ثمامه پس از پذیرش اسلام، در هدایت قوم خود و نیز مقابله با مدعیان دروغین نبوت تأثیر چشمگیری داشت. (ابن اثیر، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۴۷)

شواهد تاریخی نشان می‌دهد که ثمامه پس از آزادی برای به‌جا آوردن عمره به سوی مکه حرکت کرد و اسلام خود را آشکار ساخت. ازاین‌رو او را نخستین مسلمانی دانسته‌اند که آشکارا در مکه لبیک گفت. (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۱۴) مشرکان نیز به او تعرض نکردند؛ زیرا ثمامه از بزرگان بنی‌حنیفه بود و قریش بیم داشتند که در صورت کشتن او، بنی‌حنیفه راه رسیدن آذوقه از یمامه به مکه را مسدود کنند.

ثمامه با صراحت به قریش اعلام کرد که اگر اسلام نیاورند، راه رسیدن آذوقه را بر آنان خواهد بست. پس از بازگشت به یمامه نیز چنین کرد و مسیر کاروان‌های حامل خواربار از یمامه به مکه را بست؛ در نتیجه قریش با قحطی و خشکسالی روبه‌رو شدند. (ابن اثیر، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۴۷) در پی این وضعیت ابوسفیان نزد پیامبر اکرم ﷺ آمد و از ایشان خواست ثمامه را از ادامه محاصره اقتصادی باز دارد. وی به پیامبر ﷺ گفت: «تو را به خدا و خویشاوندی سوگند می‌دهم، مگر ادعا نمی‌کنی که رحمة للعالمین هستی؟» پیامبر ﷺ فرمود: «آری». ابوسفیان گفت: «پدران ما را با شمشیر، و فرزندان ما را با گرسنگی کشتی».

بنابر نقل ابن عباس، در این هنگام آیه ۷۶ سوره مؤمنون نازل شد: ﴿وَلَقَدْ أَخَذْنَاهُمْ بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ﴾؛ «و به‌راستی آنان را به عذاب گرفتار کردیم،

اما در برابر پروردگارشان فروتنی نکردند و به درگاه او زاری نمی‌کنند». پس از نزول این آیه، پیامبر اکرم ﷺ طی نامه‌ای از ثمامه خواست محاصره اقتصادی قریش را پایان دهد و او نیز چنین کرد. (قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۱۲، ص۱۴۳)

از منظر تاریخی، ماجرای ثمامه نشان‌دهنده رویکرد تدریجی، تربیتی و هدایت‌محور پیامبر اکرم ﷺ در تعامل با مخالفان است. مسجدالنبی در این واقعه صرفاً محل نگهداری یک اسیر نبود، بلکه فضایی برای مشاهده عملی آموزه‌های اسلامی و زمینه‌ای برای تحول فکری و معنوی او به‌شمار می‌آمد. این شیوه سرانجام ثمامه را از دشمنی سرسخت به مسلمانی فداکار و اثرگذار تبدیل کرد.

ب) زمینه انتقال و تسلیم پیام امیران

پیامبر ﷺ پس از صلح حدیبیه نامه‌ای به خسرو پرویز، شاهنشاه ایران، نوشت و وی را به اسلام دعوت کرد. وی از این دعوت خشمگین شد و به باذان، حاکم ایرانی یمن، نامه نوشت تا دو تن از اسواران (مردان کارآزموده) خود را برای دستگیری یا قتل پیامبر ﷺ به حجاز بفرستد. (طبری، ۱۳۸۲ق، ج۲، ص۲۵۵-۲۵۷) باذان دو تن از مردانش را به نام‌های خُرَّه‌خسرو و ذادویه (فیروز دیلمی) نزد پیامبر ﷺ فرستاد و به آنان دستور داد تا درست بنگرند و با پیامبر سخن گویند و اخبار را برایش باز گردانند. پیامبر ﷺ پس از ملاقات با فرستادگان آنها را مدتی در مدینه، و به روایتی در خانه سلمان فارسی نگاه داشت و سرانجام به آنان اطلاع داد که خسرو به دست پسرش شیرویه کشته شده است؛ سپس به‌وسیله همان فرستادگان، به باذان توصیه کرد که اسلام آورد تا پیامبر ﷺ او را در فرمانروایی یمن و ریاست ابنا ابقا کند. آن‌گاه آنان را با هدیه‌ای گرانبها بازگردانید. (بیهقی، ۱۴۰۵ق، ج۴، ص۳۹۱؛ ابن هشام، ۱۳۸۳ق، ج۳، ص۲۷۵) باذان دعوت پیامبر ﷺ را پذیرفت و اعلام کرد که اگر سخن پیامبر ﷺ درست باشد، هیچ یک از فرمانروایان در اسلام آوردن بر او سبقت نخواهد گرفت. اندکی بعد نامه شیرویه رسید که از قتل خسرو

خبر می‌داد و دستور می‌داد که پیامبر ﷺ آزرده نشود. پس از آن باذان و بسیاری از ابنا، از جمله خُرَّه‌خسرو و فیروز دیلمی، اسلام آوردند. (ابن سعد، ۱۳۷۶ق، ج۱، ص۲۶۰)

درباره تاریخ این واقعه اختلاف است؛ بسیاری از مورخان آن را در سال ۶ قمری دانسته‌اند، اما ابن سعد تاریخ آن را محرم سال ۷ هجری می‌داند که معتبرتر به نظر می‌رسد. (ابن سعد، ۱۳۷۶ق، ج۱، ص۲۶۰) این نمایندگان بر دین ابنای ایرانی یمن، که آن زمان زردشتی بود، قرار داشتند. آنها بار اول، مطابق رسم حضور نزد شاهان، با ریش‌های تراشیده و شارب‌های پیچ داده نزد پیامبر ﷺ آمدند، ولی به آنها گفته شد که پیامبر ﷺ این گونه روش‌ها را خوش نمی‌دارد. آنها روز بعد شارب‌های خود را کوتاه کردند و توانستند پیامبر را ملاقات کنند. (طبری، ۱۳۸۲ق، ج۲، ص۲۵۵-۲۵۷)

در ماجرای فرستادگان باذان، منابع کهن اصل «آمدن دو فرستاده به مدینه»، «تسلیم نامه به پیامبر ﷺ»، «گفتگوی پیامبر با آنان درباره هیئت ظاهری (حلق لحیه و ارسال شارب)»، «درنگ دادن آنان برای مدتی» و سپس «اعلام خبر کشته شدن خسرو به دست شیرویه و بازگرداندن آنان به سوی باذان» را گزارش کرده‌اند (طبری، ۱۳۸۲ق، ج۲، ص۲۵۷ـ ۳۵۵؛ ابن هشام، ۱۳۸۳ق، ج۴، ص۲۶۹-۲۷۱؛ بیهقی، ۱۴۰۵ق، ج۴، ص۳۹۱-۳۹۳)، اما محل دقیق ملاقات را تعیین نکرده‌اند. بنابراین از منظر تاریخ‌نگاری انتقادی، این واقعه را باید به‌عنوان شاهد قطعی ملاقات و گفتگوی دیپلماتیک فرستادگان با پیامبر ﷺ در مدینه به کار گرفت، نه شاهد قطعی «وقوع ملاقات در مسجدالنبی». با این حال سیاق این گونه گزارش‌ها نشان می‌دهد محل ملاقات آن دو با پیامبر ﷺ یک مکان خصوصی نبوده، بلکه در مکان عمومی بوده که به آنها چنین توصیه‌ای شده است. بنابراین به قرینه رواج ملاقات‌های عمومی در مسجدالنبی احتمال اینکه مکان ملاقات مسجدالنبی باشد دور از انتظار نیست؛ چراکه مکان عمومی آن زمان که پیامبر ﷺ و اصحاب بیشترین حضور را داشتند و هیئت‌های نمایندگی امرا و وفود قبایل را به

حضـور می‌پذیرفتنـد مسـجدالنبی بود؛ به ویژه اینکه هنوز آیات مربوط به نجاسـت کفار و منـع آنها از ورود به مسـجدالحرام نازل نشـده بود و منابـع تاریخی نیز در خصوص این ملاقات لزوماً به مکان دیگری نظیر کوچه یا خانه اصحاب اشاره نکرده‌اند.

ج) زمینه مذاکره سیاسی با سران شرک

یکـی از مصادیـق برجسـته ورود غیـر مسـلمانان بـه مسـجدالنبی حضور ابوسـفیان پـس از واقعـه بنی‌بکر و خزاعه اسـت. پس از آنکـه بنی‌بکر (هم‌پیمان قریش) به خزاعه (هم‌پیمـان مسـلمانان) یـورش برنـد، پیمـان صلـح حدیبیه نقض شـد. ابوسـفیان بن حرب در پی این عهدشـکنی، به مدینه آمد تا از پیامبر اکرم ﷺ درخواسـت کند پیمان صلـح تجدیـد یا تمدید شـود. وی وارد مسـجدالنبی شـد و از پیامبـر ﷺ عذرخواهی، و درخواسـت تمدید پیمان کرد؛ اما پیامبر اکرم ﷺ درخواسـت او را نپذیرفت. ابوسـفیان سـپس با برخی مسـلمانان ـ از جمله ابوبکر، عمر و امام علی علیه‌السلام ـ گفتگو کرد تا شـاید برای تجدید پیمان میانجی‌گری کنند، ولی هیچ‌یک از او حمایت نکردند. او سـرانجام ناامید و خوار از مدینه بازگشت. (ابن هشام، ۱۳۸۳ق، ج۴، ص۵۴)

اهمیـت ایـن واقعـه در آن اسـت کـه نشـان می‌دهـد حتـی دشـمن سرسـختی چون ابوسـفیان نیـز امکان ورود و حضور در مسـجدالنبی را داشـت و در همـان فضا با پیامبر اکرم ﷺ دیدار و گفتگو می‌کرد.

د) زمینه تحقیق و بررسی برای خواص

در ایـن زمینـه، مصادیـق متعـددی وجـود دارد؛ از جملـه ورود عـدی بـن حاتـم بـه مسجدالنبی در زمانی که هنوز نصرانی بود. بر اساس منابع، عدی بن حاتم، که از بزرگان قبیله طی محسوب می‌شد، در سال نهم هجری و درحالی‌که هنوز نصرانی بود، مستقیماً به مسـجدالنبی رفت تا با پیامبر ﷺ ملاقات کند. (ابن حجر عسـقلانی، ۱۴۱۵ق، ج۴، ص۴۴۹) رفتـار کریمانـه پیامبـر ﷺ در مسـجد و بیـرون از آن، بـا وجود آنکـه عدی هنوز

مسـلمان نبود، چنان تأثیر عمیقی بر جان او نهاد که بلافاصله پس از مشـاهده این رفتار اسلام آورد. (ابن اثیر، بی‌تا، ج۳، ص۳۹۲)

واقعه آمدن عدی بن حاتم طائی به مسجدالنبی، درحالی‌که هنوز بر آیین نصرانیت بـود، به‌وضوح نشـان‌دهنده سیاسـت تسـامح و گشـودگی پیامبـر اکرم ﷺ و مسـلمانان صدر اسلام نسبت به ورود غیر مسلمانان به مسجد برای آشنایی با تعالیم اسلام است. شیوه برخورد رسول خدا ﷺ و اجازه ورود به عدی، سیره عملی ایشان را مبنی بر تساهل و بازبودن مسـجدالنبی برای غیر مسـلمانان جویای حقیقت نشان می‌دهد. این فضای باز فرصتی برای شناخت اسلام، و در نهایت مسلمان‌شدن عدی بن حاتم فراهم کرد.

هـ) زمینه هدایت و شنیدن کلام الهی برای عوام

بر اسـاس آیه شـریفه ﴿وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْـرِكِينَ اسْـتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُـمَّ أَبْلِغْـهُ مَأْمَنَهُ﴾ (توبه: ۶)، یعنی «اگر یکی از مشـرکان از تـو پناهندگی بخواهد به او پناه ده تا سـخن خدا را بشـنود و در آن بیندیشـد، سپس او را به محل امنش برسان». مشرکان و اعراب بادیه‌نشین اجازه داشتند برای شنیدن کلام خدا و آشنایی با تعالیم اسلام، نزد پیامبـر ﷺ بیایند. طبیعی اسـت کـه مرکز اصلی حضور و ملاقات با رسـول خدا ﷺ در مدینه مسـجدالنبی بود و منابع سـیره نیز تأکید دارند که آنان در همین مکان به حضور پیامبر می‌رسیدند. (ابن هشام، ۱۳۸۳ق، ج۴، ص۲۱۱)

یکـی از نمونه‌هـای شـاخص ایـن حضـور، روایـت مفصل یـک اعرابی بادیه‌نشـین از تیـره بنی‌سـلیم اسـت کـه در منابع روایی و تاریخی نقل شـده اسـت. مردی بادیه‌نشـین درحالی‌کـه سوسـماری شـکار کـرده و در آسـتین خـود نهاده بود، وارد مسـجد شـد و نزد پیامبر ﷺ آمد. او اظهار داشت که تنها زمانی اسلام خواهد آورد که آن سوسمار به نبوت پیامبر شـهادت دهد. پیامبر ﷺ سوسـمار را فرا خواند و از او پرسید: «یا ضَبُّ، مَن أَنا؟» سوسـمار بـه زبـان آمد و پیامبـر ﷺ را با نام و نسـب کامل معرفی کرد و شـهادت داد که

او فرستاده خداست. بادیه‌نشین با دیدن این واقعه اسلام آورد و پیامبر ﷺ نیز او را تکریم کرد و هدایایی به او بخشید. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج۳۶، ص۳۴۳) این ماجرا با نقلی نزدیک به همین مضمون در دلائل النبوة بیهقی و البدایة والنهایة ابن‌کثیر نیز آمده است. (بیهقی، ۱۴۰۵ق، ج۴، ص۳۹۱؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۰ق، ج۶، ص۱۶۴)

در خصوص زمان واقعه شهادت ضب، باید گفت ضبط روایت در دلائل النبوة ذیل «جماع أبواب وفود العرب إلی رسول الله ﷺ»، با منطق تاریخی آمدوشد قبایل و هیئت‌ها سازگار است و قرینه‌ای برای تعلق آن به اواخر دوره مدنی به‌شمار می‌آید. (بیهقی، ۱۴۰۵ق، ج۴، ص۳۹۱) همچنین ابن‌کثیر در البدایة والنهایة ذیل «سنة ثمان من الهجرة» گزارش می‌کند که وفد بنی‌سلیم در عام‌الفتح، حدود سال ۸ قمری با پیامبر ﷺ ملاقات کردند و سپس در رخدادهای همان سال همراه شدند. (ابن‌کثیر، بی‌تا، ص۳۶۲) از سوی دیگر، روایت «ضب» در پایان، با پیوند خوردن ماجرا به جمع بزرگی از بنی‌سلیم و سپس آمدن آنان نزد پیامبر ﷺ نقل شده است. (ابن‌کثیر، ۱۴۰۸ق، ج ۶، ص ۱۶۴) بنابراین، با ترکیب سه قرینه: «مدنی‌بودن رخداد، قرارگرفتن آن در باب وفود و گزارش تاریخی وفد بنی‌سلیم در عام‌الفتح»، محتمل‌ترین تقریب آن است که این واقعه نزدیک به سال ۸ قمری، یعنی عام‌الفتح، یا در پیرامون آن رخ داده باشد. (بیهقی، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۳۹۱؛ ابن‌کثیر، بی‌تا، ص ۳۶۲؛ ابن‌کثیر، ۱۴۰۸ق، ج ۶، ص ۱۶۴)

همچنین «حدیث ضمام بن ثعلبة»، که در کتاب الروض الأنف، اثر عبدالرحمن بن عبدالله السهیلی (ج ۷، ص ۴۶۴) آمده است، یکی از گزارش‌های تاریخی در همین زمینه است. مضمون این روایت، درباره ورود ضمام بن ثعلبة، مردی از قبیله بنی‌سعد و اهل نجد، به مسجدالنبی است. او، که از اعراب بادیه‌نشین بود، با ظاهری آشفته و صدایی بلند وارد مسجد شد و در برابر پیامبر ﷺ درباره اصول دین اسلام ـ از جمله یکتاپرستی، نماز، زکات، روزه و حج ـ پرسش کرد. پیامبر ﷺ هر یک از پرسش‌های او

را با آرامش پاسخ داد و ضمام در پایان اسلام آورد و به قبیله‌اش بازگشت تا مردم خود را به اسلام دعوت کند.

این روایت را مالک در موطأ از عمویش، از جدش و از طلحة بن عبیدالله نقل کرده است.(مالک، ۱۴۰۶ق، ج۱، ص۱۷۵، ح۴۲۵) ابوداوود نیز در سنن خود بابی با عنوان «ما جاء في المشرك يدخل المسجد» گشوده است؛ زیرا این روایت نشان می‌دهد ضمام درحالی‌که هنوز مشرک بود، وارد مسجدالنبی شد. (ابوداوود سجستانی، ۱۴۱۰ق، ج۱، ص۱۱۷-۱۱۸، کتاب الصلاة، باب ما جاء في المشرك يدخل المسجد، ح۴۸۶-۴۸۷) این موارد، افزون بر بُعد کرامتی، نشان می‌دهد که مسجدالنبی محل حضور مستقیم اعراب بادیه‌نشین مشرک برای مواجهه با پیامبر ﷺ و شنیدن کلام الهی بوده است.

و) زمینه حضور برای قضاوت و داوری

قرآن کریم در اشاره به مراجعه اهل کتاب به پیامبر ﷺ برای داوری می‌فرماید: ﴿**فَإِنْ جَاؤُكَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ ... وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ**﴾ (مائده: ۴۲) مفاد این آیه آن است که اهل کتاب گاهی برای فصل خصومت و طلب حکم نزد پیامبر ﷺ می‌آمدند. گزارش‌های تفسیری و حدیثی ذیل این آیه، این دلالت قرآنی را تأیید می‌کند؛ از جمله در ماجرای زن و مرد یهودی متهم به زنا، یهودیان برای اخذ حکم نزد پیامبر ﷺ آمدند و آن حضرت پس از مراجعه به حکم تورات، میان آنان داوری کرد. (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج۸، ص۱۶۸-۱۶۹؛ طبری، ۱۴۲۲ق، ج۸، ص۴۴۹-۴۵۷؛ قرطبی، ۱۴۰۵ق، ج۶، ص۱۷۶-۱۸۳)

از آنجا که محل داوری‌های پیامبر ﷺ معمولاً مسجدالنبی بود، حضور آن دسته در این مکان برای داوری بعید به نظر نمی‌رسد؛ به ویژه اینکه سُهَیلی نیز در شرح سیره صراحتاً به ورود گروهی از یهود به مسجد پیامبر برای طرح مسئله زنا میان زن و مردی یهودی و درخواست حکم از آن حضرت یاد می‌کند؛ گزارشی که در کنار روایات موطأ

مالک و سنن ابی‌داود، مؤید آن است که غیر مسلمانان برای طرح دعوا و طلب داوری به محضر پیامبر ﷺ در مسجدالنبی مراجعه می‌کردند. (سُهَیلی، ۱۴۱۲ق، ج۷، ص۴۶۴؛ مالک بن أنس، ۱۴۰۶ق، ج۲، ص۸۲۴؛ ابوداوود، ۱۴۱۰ق، ج۴، ص۲۴۶-۲۴۷)

۲. ورود غیر مسلمانان به صورت وفود قبائل و اقوام به مسجدالنبی

با توجه به شرایط اجتماعی ـ سیاسی پس از فتح مکه، قبایل مختلف عرب، که هنوز اسلام نیاورده بودند، هیئت‌هایی به مدینه فرستادند تا با پیامبر ﷺ دیدار کنند. این هیئت‌ها، که در منابع با عنوان «وفود» یاد شده‌اند، غالباً در مسجدالنبی با پیامبر ملاقات می‌کردند. گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد که مکان دیدار آنان بیشتر در جوار «ستون وفود» در مسجد بود. بنابراین می‌توان گفت ورود وفود غیر مسلمان به مسجدالنبی برای گفتگو، پرسش از اسلام و پذیرش یا رد آن امری پذیرفته شده بود. (ابن هشام، ۱۳۸۳ق، ج۴، ص۹۸۵؛ ابن کثیر،۱۴۱۰ق، ج۵، ص۴۹)

بیشتر مورخان اسلامی زمان ورود وفود به مدینه را پس از مراجعت پیامبر ﷺ از تبوک دانسته‌اند. ابن هشام می‌نویسد: «پس از فتح مکه و اسلام آوردن مردم طائف، قبایل عرب دسته‌دسته به مدینه می‌آمدند». (ابن هشام، ۱۳۸۳ق، ج۴، ص۹۸۵) در این باره گفته شده است: «وقتی ثقیف اسلام آورد، وفود عرب گروه‌گروه نزد پیامبر آمدند». (طبرسی، ۱۳۹۰ق، ج۱، ص۲۵۰) این امر بیانگر آن است که پس از فتح مکه و سقوط طائف، قبایل عرب متوجه شدند که توانایی مقابله با پیامبر ﷺ را ندارند و به همین دلیل فوج‌فوج اسلام آوردند. (مقریزی، ۱۴۲۰ق، ج۲، ص۸۹) ازاین‌رو سال نهم هجری «عام الوفود» نامیده شد.

ابن سعد تعداد این وفود را بیش از هفتاد گروه دانسته و به تک‌تک آنان اشاره کرده است. (ابن سعد، ۱۳۷۶ق، ج۱، ص۳۴۷) صالحی شامی نیز شمار وفود را بیش از نود ذکر می‌کند. (صالحی شامی، ۱۴۱۴ق، ج۱، ص۲۲.۱۸) این گروه‌ها معمولاً در

مسـجدالنبی پذیرایـی می‌شـدند، هدایـا و امان‌نامه‌هایی از پیامبر دریافـت می‌کردند و پیامبر ﷺ به‌طور برابر میان آنان هدیه تقسیم می‌کرد. (ابن سعد، ۱۳۷۶ق، ج۱، ص۲۴۴)

دربـاره تعییـن اُسْـطُوانَةُ الوُفـود به‌عنـوان محـل جلوس و ملاقـات پیامبـر ﷺ با وفود قبایل، در آثار مربوط به معالم مسـجدالنبی گزارش‌هایی آمده اسـت. سـمهودی در وفاء الوفـا بأخبـار دار المصطفی، به نقل از مُطَری تصریح می‌کند کـه پیامبر ﷺ هنگام ورود وفود عرب، در کنار این سـتون می‌نشسـت و جای آن را در بخش شـمالی مسجد، پشت «اُسْطُوانَةُ المُحْرس» معرفی می‌کرد. (سمهودی، بی‌تا، ج۲، ص۴۵)

بدین ترتیب مسجدالنبی نه تنها محل عبادت مسلمانان، بلکه مرکز تعامل سیاسی و اجتماعی و پذیرش رسمی وفود و قبایل بود. این وفود را می‌توان به دو دسته مهم تقسیم کرد: وفود اهل کتاب و وفود مشرکان که به چند مصداق از هر کدام اشاره می‌کنیم.

الف) وفود اهل کتاب

یک- ورود دسته جمعی وفد نصارای نجران

ورود وفد نجران به مدینه در سال نهم هجری، یکی از رخدادهای مهم تاریخی است که جایگاه ورود غیر مسـلمانان به مسـجدالنبی و شـیوه تعامل پیامبر اکرم ﷺ با آنان را روشن می‌کند. هیئت چهل نفره از بزرگان و اسقف‌های مسیحی نجران، پس از دریافت نامـه دعـوت پیامبـر ﷺ بـه اسـلام، بـه مدینـه آمدنـد و مسـتقیم بعـد از نماز عصـر وارد مسجدالنبی شدند. حضور آنان در مسجد با لباس‌های فاخر و زیورآلات طلا همراه بود کـه در ابتدا موجب بی‌اعتنایی پیامبر شـد، اما بـه توصیه امام علی ؑ زیورآلات را کنار گذاشتند و سپس پیامبر از آنان استقبال کرد. (حلبی، بی تا، ج۳، ص۲۳۵) نکته اساسی آن بود که این گروه نه‌تنها در مسجدالنبی پذیرفته شدند، بلکه اجازه یافتند مطابق آیین خود در آنجا به عبادت بپردازند. آنان به سـمت مشـرق ایستادند، ناقوس نواختند و نماز

خواندنـد و پیامبـر اکـرم ﷺ در برابـر تعجب و حتی اعتـراض برخی مسـلمانان، به آنان آزادی عمل داد و مانع تعرض مسلمانان شد. (قمی، ۱۴۰۴، ج۱، ص۱۰۴)

پیامبر اکرم ﷺ با برگزاری جلسـات متعدد در مسـجد به گفتگوی علمی و الهیاتی با مسیحیان نجران پرداخت و مهم‌ترین این مباحث جایگاه حضرت عیسی علیه‌السلام بود.

ایـن مناظره‌هـا نمونـه‌ای روشـن از رویکـرد عقلانـی و اسـتدلالی پیامبـر در تعامـل با مخالفـان فکـری در محیـط مسـجد اسـت. سـرانجام هنگامـی کـه گفتگوهـا بـه نتیجه نرسید و آنها درخواست مباهله کردند، آیه مباهله (آل عمران: ۶۱) نازل شد و پیامبر ﷺ مسـیحیان را به مباهله فراخواند. روز بعد، پیامبر ﷺ درحالی‌که حسـن و حسـین علیهماالسلام را همراه داشـت، فاطمه علیهاالسلام پشـت سـر او، و علی علیه‌السلام بـه عنوان «نفس پیامبـر» همراهش بود، در محل مباهله حاضر شـد اسـقف نجران با دیدن این چهره‌های قدسی از مباهله عقب‌نشـینی کرد و پذیرفت که با دولت اسـلامی پیمان جزیه ببندند. (یعقوبی، ۱۳۷۹، ج۲، ص۸۲) ایـن واقعـه نه‌تنهـا حقانیت پیامبـر و جایگاه اهل بیـت علیهم‌السلام را تثبیت کرد، بلکه نشـان داد مسـجدالنبی محلی برای گفتگو، اسـتدلال و حتی پذیرش عبادت غیر مسلمانان بوده است؛ الگویی که تعامل میان ادیان در فضای اسلامی را به‌روشنی ترسیم می‌کند.

دو- وفد ابنای یمن

گفتیـم پـس از آنکه خبر تحقق پیش‌گویی پیامبر ﷺ مبنی بر کشـته شـدن کسـرا به دسـت پسـرش شـیرویه بـه بـاذان رسـید، وی صحت نبـوت پیامبـر ﷺ را باور کـرد و در نامه‌ای رسـمی اسـلام خود و سـپاهیان ایرانی‌اش (الأبنا) را اعلام کرد. (ابن سعد، ۱۳۷۶، ج۱، ص۲۶۰) فرسـتادگان بـاذان هنـگام ورود بـه مدینه از پیامبر ﷺ پرسـیدند: «إلی من نحن یا رسـول الله؟»؛ «ای رسـول خدا، ما از چه کسـانی به شـمار می‌رویم؟» پیامبر فرمود: «أنتـم منـا و إلینـا أهل البیت»؛ «شـما از مایید و به سـوی مایید، از خاندان ما هسـتید».

(ابن‌کثیر،۱۴۱۰، ج۲، ص۱۸۰) زهری می‌نویسد: «همین‌جا پیامبر درباره سلمان فارسی فرمود: سلمان منا أهل البیت». این سخنان پیامبر تصریح دیگری به علقه ایرانیان نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام بود. ساکنان یمن، از جمله أبنای ایرانی پیش از اسلام، اهل کتاب به شمار می‌رفتند؛ به همین دلیل پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله هنگامی که معاذ بن جبل را به یمن می‌فرستاد، به او فرمود:

إنک تأتی قوماً من أهل الکتاب، فلیکن أول ما تدعوهم إلیه شهادة أن لا إله إلا الله، وأنّی رسول الله؛ فإن هم أطاعوا لذلک، فأعلمهم أن الله افترض علیهم خمس صلوات فی کل یوم ولیلة. (صحیح بخاری، کتاب الزکاة، ح۱۳۹۵؛ صحیح مسلم، کتاب الإیمان، ح۱۹)

تو به میان قومی می‌روی که اهل کتاب‌اند، پس نخستین چیزی که آنان را بدان می‌خوانی، شهادت به توحید و رسالت من باشد. اگر پذیرفتند، آنان را از وجوب نمازهای پنج‌گانه در هر شبانه روز آگاه کن.

این کلام پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بیانگر شناخت آن حضرت از بافت فرهنگی یمن بود؛ چراکه مردم آن سرزمین از قرن‌ها پیش تحت نفوذ اهل کتاب (یهودیت و مسیحیت) بودند. در روایتی دیگر، هنگام رسیدن وفد یمن، پیامبر با شادمانی فرمود:

أتاکم أهلُ الیمن، هم أرقُّ قلوباً وألین أفئدة؛ الإیمانُ یمانٍ، والحکمةُ یمانیة. (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج۵، ص۱۷۳، کتاب المغازی، باب قدوم الأشعریین وأهل الیمن، ح۴۳۸۸)

مردمان یمن نزد شما آمده‌اند؛ نرم‌دل‌تر و مهربان‌تر از شمایند؛ ایمان از یمن است و حکمت یمانی است.

البته به‌جز وفد نجران و وفد أبنای یمن، چند هیئت دیگر نیز در سال‌های پایانی زندگی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به مدینه آمدند که از نظر پیشینه دینی، به اهل کتاب تعلق داشتند یا ارتباط نزدیک با آنان داشتند؛ نظیر وفد الدّاریّین (منسوب به لَخْم) که میان اعضای این وفد، تمیم الداری و برادرش نعیم حضور داشتند. آنان پیش از اسلام از مسیحیان شام

بودند و در مدینه مسلمان شدند. منابع سیره تصریح می‌کنند: «هیئت داریّین آمدند و آنان نصرانی بودند، پس اسلام آوردند». (ابن‌کثیر، ۱۴۱۰، ج۵، ص۷۷؛ بیهقی، بی‌تا، ج۵، ص۳۸۵) همچنین وفد بنی‌تغلب نیز از هیئت‌هایی بود که ترکیبی از مسلمانان و مسیحیان را شامل می‌شد. ابن‌کثیر روایت می‌کند:

قَدمَ وَفْدُ بَنی تَغْلبَ وَكَانُوا ستَّةَ عَشَرَ رَجُلًا منْهُمْ نَصَارَى وَمُسْلمُونَ، وَكَانُوا عَلَيْهمْ صُلُبُ الذَّهَب، فَقَبلَ منَ النَّصَارَى الْجزْيَةَ، وَأَمَرَهُمْ أَلَّا يُصَبّغُوا أَوْلَادَهُمْ فی النَّصْرَانيَّة. (ابن‌کثیر، ۱۴۱۰، ج۵، ص ۸۴؛ ابن هشام، بی‌تا، ج۴، ص۲۵۷؛ بیهقی، بی‌تا، ج۵، ص۳۹۹)

هیئت بنی‌تغلب آمدند و آنان شانزده مرد بودند؛ در میانشان نصارا و مسلمانان بودند و صلیب‌های طلا بر گردن داشتند. پیامبر ﷺ از نصارا جزیه گرفت و فرمان داد فرزندانشان را در دین نصرانیت تربیت نکنند.

ب) وفود مشرکان

یک- ورود وفد بنی‌تمیم

در سال نهم هجری، هیئتی از قبیلهٔ بنی‌تمیم به مدینه آمدند و مستقیماً وارد مسجدالنبی شدند. منابع روایت می‌کنند که اعضای وفد از پشت حجرات پیامبر فریاد زدند: «اخرج إلینا یا محمد». این حرکت سبب آزردگی مؤمنان و پیامبر شد، اما با بردباری و تسامح پیامبر پاسخ داده شد. ایشان به هیئت اجازه دادند خطیب و شاعر خود را معرفی کنند و مناظره‌ای فرهنگی میان نمایندگان قبیله و شاعران مسلمان در مسجد شکل گرفت و در نتیجه بسیاری از آنان به اسلام گرویدند. (ابن هشام،۱۳۸۳، ج۴، ص۵۶۱) ابن‌اثیر می‌نویسد: «**فَأَذنَ لَهُمْ النَّبیُّ فَخَطَبَ خَطیبُهُمْ وَأَنْشَدَ شَاعرُهُمْ، ثُمَّ أَجَابَهُمُ الْمُسْلمُونَ فَأَسْلَمُوا**». (ابن‌اثیر، ۱۳۸۶، ج۲، ص۲۸۷)

این واقعه نمونه‌ای تاریخی از ورود غیر مسلمانان به مسجدالنبی و تعامل فرهنگی دینی پیامبر با آنان در فضایی باز و گفتگومحور است که نشان می‌دهد مسجد، در عصر نبوی، علاوه بر مرکز اصلی تعامل اجتماعی ـ سیاسی، مرکزی برای تعامل ادبی نیز به شمار می‌رفت. رفتار هیئت بنی‌تمیم با پیامبر ﷺ موجب نزول آیاتی شد که ادب و احترام در مواجهه با رسول خدا را یادآور می‌شود: از جمله آیه ﴿**إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ**﴾. (الحجرات: ۴) مفسران، از جمله طبری در جامع البیان (ج۲۶، ص۹۸)، و مورخان نظیر یعقوبی در تاریخ یعقوبی (یعقوبی، ۲۰۱۸م، ج۲، ص۷۳) تصریح کرده‌اند که شأن نزول این آیه به ماجرای فریاد زدن وفد بنی‌تمیم از پشت حجرات پیامبر باز می‌گردد.

دو ـ ورود وفد عبدالقیس به مسجدالنبی

وفد عبدالقیس، یکی از نخستین هیئت‌های قبایل عرب بود که برای دیدار پیامبر اسلام ﷺ به مدینه آمد. درباره زمان این رویداد میان مورخان اختلاف نظر است؛ برخی آن را قبل از فتح مکه، و برخی در سال پنجم، هشتم، نهم و حتی دهم هجرت دانسته‌اند. (ابن سعد، ۱۳۷۶، ج۱، ص۳۱۴) روایت‌ها حاکی از آن است که نخستین پیوند این قبیله با اسلام از طریق منقذ بن حبان یا عمرو بن عبدالقیس برقرار شد. منقذ، که برای تجارت از بحرین به مدینه می‌آمد، به سفارش دایی خود (منذر بن عائذ اشجع) با پیامبر ملاقات کرد و اسلام آورد. وی سوره فاتحه و سوره «اقرأ» را آموخت و با نامه‌ای از پیامبر به سوی قبیله خود بازگشت. این نامه بعدها توسط منذر خوانده شد و گروهی از مردم بحرین مسلمان شدند. (ابن حجر، ۱۴۱۵، ج۳، ص۳۳۰) برخی مورخان نیز گفته‌اند پیامبر عمرو بن عبدالقیس را مأمور دعوت اشجع کرد و او اسلام آورد و سپس مردم قبیله نیز پیروی کردند. (ابن سعد، ۱۳۷۶، ج۶، ص۸۴)

به گزارش منابع دیگر، وفد عبدالقیس وقتی به مدینه رسیدند، در مسجدالنبی با پیامبر ملاقات کردند و درخواست نمودند که مکتوبی از سوی پیامبر به آنان داده شود تا نشانه‌ای میان قبایل دیگر باشد. پیامبر خواسته آنان را اجابت فرمود و نوشته‌ای برایشان صادر کرد. (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵، ج۶، ص۱۶۹) ابن سعد می‌گوید که در مدت اقامتشان در مدینه، برخی از آنان سوره‌هایی از قرآن را نزد ابی بن کعب فرا گرفتند. (ابن سعد، ۱۳۷۶، ج۱، ص۳۱۵ و ج۵، ص۵۵۸)

این گزارش‌ها نشان می‌دهد که پیامبر اکرم ﷺ مدت‌ها پیش از عام الوفود درِ مسجدالنبی را به روی هیئت‌های غیر مسلمان گشوده بود و آنان نه تنها برای گفتگو، بلکه برای یادگیری قرآن و دریافت اسناد دینی و آموزشی در مسجد حاضر می‌شدند.

سه ـ ورود وفد ثقیف

واقعه آمدن وفد قبیله ثقیف به مدینه و مسلمان شدن آنان در ماه رمضان سال نهم هجری، نقطه عطفی در تاریخ گسترش اسلام بود. بر اساس روایت طبری پس از بازگشت پیامبر از غزوه تبوک، هیئتی به سرپرستی عبد یالیل بن عمرو بن عمیر از طائف به مدینه آمدند. (طبری، ۱۳۸۲، ج۳، ص۱۵۲-۱۵۳) بنا بر نقل ابن شبه، پیامبر ﷺ آنها را در مسجد جای داد و خیمه‌هایی برای آنها افراشت تا قرآن را بشنوند و مردم را در حال نماز ببینند. (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰، ج۲، ص۵۰۲) آنان ابتدا شروطی برای پذیرش اسلام مطرح کردند ـ از جمله معافیت از نماز و باقی ماندن بت لات ـ اما پیامبر تمامی این شروط را رد کردند و فرمودند: «لَا خَیْرَ فی دینٍ لَا صَلَاةَ فیه». (طبری، ۱۳۸۲، ج۳، ص۱۵۲-۱۵۳)

پس از گفتگوهای طولانی، اعضای وفد بدون قید و شرط اسلام آوردند (یعقوبی ۱۳۷۹، ج۲، ص۷۵) و پیامبر ﷺ عثمان بن ابی‌العاص ثقفی را، که جوان‌ترین و در عین حال مشتاق‌ترین فرد وفد برای یادگیری قرآن و فقه بود، به عنوان امیر و نماینده خود برای قبیله ثقیف منصوب کرد.

چهار- ورود وفد بنی‌اسد

در آغاز سال نهم هجری قمری ده نفر از قبیلهٔ «بنی‌اسد بن خزیمه» از جمله شخصیت‌های شاخصی چون ضرار بن أزور، طلیحة بن خویلد و حضرمی بن عامر، نزد رسول خدا ﷺ آمدند و اسلام آوردند. (ابن‌سعد، ۱۳۷۶، ج۱، ص۲۹۲) آنان با رویکردی منت‌گذارانه اسلام آوردن خویش را فضیلتی بر پیامبر ﷺ قلمداد کردند؛ تا آنجا که حضرمی بن عامر خطاب به ایشان گفت: «ما در شرایط سخت خشکسالی، شب‌های تاریک را پیموده و بدون آنکه فرستاده‌ای به سوی ما بیاید، نزد تو آمدیم و اسلام را پذیرفتیم». (ابن حجر عسقلانی، ج۳، ص۴۴۰) خداوند در پاسخ به آنان آیه زیر را نازل فرمود:

﴿يَمُنُّونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا قُل لَّا تَمُنُّوا عَلَيَّ إِسْلَامَكُم بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَيكُمْ لِلْإِيمَانِ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ﴾ (حجرات: ۱۷)

بر تو منت می‌نهند که اسلام آورده‌اند، بگو: اسلام آوردنتان را بر من منت مگذارید، بلکه خداست که با هدایتتان به سوی ایمان بر شما منت نهاده است، اگر راستگویید.

این واقعه نمونهٔ بارزی از مواجههٔ تربیتی پیامبر ﷺ با تازه‌مسلمانان است که در منابع کهن با استناد به اسباب نزول به تفصیل ثبت شده است. (واحدی نیشابوری، ۱۴۱۱، ص۴۱۲) البته این نکته نیز نباید ناگفته بماند که اگرچه مسجدالنبی کانون اصلی ملاقات‌های رسمی پیامبر ﷺ با هیئت‌های سیاسی و مذهبی بود، این قاعده مطلق نبود. وفد قبیله همدان نمونه‌ای بارز از این استثناست که در مسیر بازگشت پیامبر ﷺ از غزوه تبوک در سال نهم هجری، با ایشان ملاقات کرد. این واقعه نشان می‌دهد که پیامبر ﷺ حتی در سفرهای جنگی و در خارج از مدینه نیز آمادگی داشتند تا دعوت اسلامی و دیپلماسی حکومت نوپای اسلامی را پیش ببرند.

جدول شماره ۱، گونه‌شناسی مصادیق ورود غیر مسلمانان به مسجدالنبی

نتیجه نهایی	زمان تقریبی	دین/ مذهب	مصادیق شاخص	نوع حضور	زمینه ورود
اسلام آورد	۶ ق	مشرک	ثمامه بن أثال	فردی	اسارت
اسلام آوردند	۷ ق	زردشتی	اسواران باذان	فردی	انتقال پیام امرا
بدون نتیجه / بازگشت	۸ ق	مشرک	ابوسفیان بن حرب	فردی	مذاکره سیاسی
اسلام آورد	۹ ق	نصرانی	عدی بن حاتم طائی	فردی	جست‌وجوی حقیقت
برخی اسلام آوردند	۵-۹ ق	مشرک	اعراب بادیه‌نشین	فردی و جمعی	شنیدن کلام الهی
فیصله دعوا	نامشخص	کافر	ثابت بن قیس	فردی	قضاوت و داوری
عقد جزیه	۹ ق	مسیحی	نصارای نجران	وفود	گفتگوی الهیاتی
اسلام آوردند	۹ ق	مشرک	بنی‌تمیم	وفود	مناظره فرهنگی
اسلام آوردند	۵-۸ ق	مشرک	عبدالقیس	وفود	آشنایی با اسلام
اسلام آوردند	۹ ق	مشرک	ثقیف	وفود	اعلام شرایط
اسلام آوردند	۹ ق	مشرک	بنی‌اسد	وفود	اسلام آوردن

نتیجه

یافته‌های این پژوهش بر این حقیقت تأکید می‌کند که مسجدالنبی در سیره نبوی، به‌عنوان یک نهاد تمدنی، فراتر از کارکرد آیینی و عبادی، در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، تربیتی و دیپلماتیک نیز نقش‌آفرینی کرده است. پیامبر اکرم ﷺ با رویکردی عقلانی و تربیتی، فضای مسجد را به عرصه‌ای باز برای تعامل سازنده با غیر مسلمانان تبدیل کرد و از آن به‌عنوان زمینه‌ای برای دعوت، گفتگو، آموزش، قضاوت و تعامل فرهنگی ـ سیاسی استفاده نمود. تحلیل تاریخی مصادیق متعدد ـ از جمله حضور اسیران، سفیران، وفود قبایل و افراد جویای حقیقت ـ نشان می‌دهد که این حضورها نه تنها با رضایت پیامبر ﷺ همراه بود، بلکه چه بسا سبب اسلام آوردن، همزیستی مسالمت‌آمیز

یـا عقـد پیمان‌های حقوقی شـد. این رویکرد، سـیره‌ای راهبردی و هوشـمندانه را آشـکار می‌سـازد که در آن تسـامح و گشودگی فرهنگی، همزمان با تثبیت اصول دینی و ساختار سیاسی جامعه اسلامی، هدفمند به‌کار گرفته شده است.

بـر این اسـاس بازنگری در انگاره‌هـای رایج درباره منع مطلق ورود غیر مسـلمانان به مساجد، از طریق بازخوانی مستند سیره نبوی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. چنین بازخوانـی‌ای نه تنها با فهم تاریخی از کارکردهای مسـجد در عصر نبوی همخوانی دارد، بلکه می‌تواند مبنایی برای احیای نقش تمدنی مسجد در جوامع اسلامی معاصر فراهم آورد؛ به‌ویـژه در عصـر حاضر که گفتگوی بین‌ادیانی، دیپلماسـی فرهنگی و هم‌زیسـتی چندفرهنگی از دغدغه‌های جهانی است، بازسازی الگوی «حکمرانی مسجدمحور» بر مبنای سـیره نبـوی می‌تواند ظرفیت‌های تازه‌ای برای نقش‌آفرینی مسـاجد در حوزه‌های دیپلماتیـک، آموزشـی و اجتماعـی فراهـم سـازد. پیشـنهاد می‌شـود پژوهش‌هـای آینده بـا ترکیـب رویکردهـای تاریخـی، فقهـی و علـوم اجتماعی، به بررسـی چگونگـی تطبیق ایـن الگـو در چارچـوب نظام‌های حقوقـی و فرهنگی جوامع اسـلامی معاصـر بپردازند و همچنین به بررسی چالش‌ها و فرصت‌های حضور غیر مسلمانان در فضاهای مذهبی اسلامی در شرایط جدید بین‌المللی نیز توجه شود.

جدول شماره ۲: نمونه کارکردهای مختلف مسجدالنبی برای غیر مسلمانان در عهد پیامبر ﷺ

نتیجه	مصداق	نمونه تاریخی	نوع کارکرد
تحول اخلاقی و ایمانی، اسلام آوردن	نگهداری اسیر غیرمسلمان در مسجد	ثمامه بن أثال	تربیتی
انتقال معارف اسلامی و اسلام آوردن	آموزش قرآن به غیر مسلمانان در مسجد	وفد عبدالقیس	آموزشی
بیداری سیاسی، اسلام آوردن سفیران	مذاکرات نمایندگان غیرمسلمان	اسواران باذان	سیاسی/ دیپلماتیک
جذب فرهنگی، اسلام آوردن جمعی	مناظرات شعری با غیر مسلمانان	وفد بنی‌تمیم	ادبی/فرهنگی
احقاق حق و حل وفصل دعاوی	داوری و قضاوت در اختلافات	حبیبة بنت سهل	قضایی
زمینه‌سازی برای گفتگو و عقد جزیه	اجازه عبادت به غیر مسلمانان در مسجد	وفد نجران	عبادی

منابع

قرآن کریم
۱. ابن‌اثیر، عزالدین علی بن محمد (۱۳۸۶ق)، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر.
۲. ـــــــــ (بی‌تا)، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، انتشارات اسماعیلیان.
۳. ابن‌اسحاق، محمد بن اسحاق (۱۳۹۸ق)، السیرة النبویة، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۴. ابن‌حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۱۵ق)، الإصابة فی تمییز الصحابة، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۵. ابن‌سعد، محمد (۱۳۷۶ق)، الطبقات الکبری، بیروت: دار صادر.
۶. ابن‌شبه نمیری، عمر بن شبه (۱۴۱۰ق)، أخبار المدینة النبویة، قم: دارالفکر.
۷. ابن‌عبدالبر، یوسف بن عبدالله (۱۴۱۲ق)، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، بیروت: دارالجیل.
۸. ابن‌هشام، عبدالملک بن هشام (۱۳۸۳ق)، السیره النبویة، تحقیق مصطفی سقا و دیگران، بیروت: دارالقلم.
۹. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۲۲ق)، الجامع الصحیح (صحیح البخاری)، بیروت: دار طوق النجاة.
۱۰. بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۰۵ق)، دلائل النبوة و معرفة أحوال صاحب الشریعة، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۱۱. حلبی، علی بن برهان‌الدین (بی‌تا)، السیرة الحلبیة (إنسان العیون)، بیروت: دارالمعرفه.
۱۲. زیدان، جرجی (۱۳۶۵ش)، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهرکلام، تهران: امیرکبیر.
۱۳. ستاری، اکبر (۱۳۹۲)، احکام گردشگری غیر مسلمانان در بلاد و اماکن مقدس اسلامی در فقه فریقین و حقوق موضوعه ایران، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
۱۴. سمهودی، نورالدین علی بن عبدالله (۱۴۱۹ق)، وفاء الوفا بأخبار دار المصطفی (۴ جلد)، تحقیق: خالد عبدالغنی محفوظ، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۱۵. سهیلی، عبدالرحمان بن عبدالله (۱۴۱۲ق)، الروض الأنف فی شرح السیرة النبویة لابن هشام، تحقیق عمر عبدالسلام اسلامی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۶. صالحی شامی، محمد بن یوسف (۱۴۱۴ق)، سبل الهدی والرشاد فی سیرة خیر العباد، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۱۸. طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۲ق)، تاریخ

الأمم و الملوک (تاریخ طبری)، بیروت: دارالتراث.
۱۹. ـــــــــــ (۱۴۲۲ق)، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، تحقیق: عبدالمحسن الترکی، قاهره: دار هجر.
۲۰. غازی مکی، عبدالله بن محمد (۱۹۸۰م)، تاریخ حرمین شریفین، مکتبة النهضة الحدیثة.
۲۱. قرطبی، محمد بن احمد (۱۴۰۵ق)، الجامع لأحکام القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۲. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق)، تفسیر القمی، قم: دارالکتاب.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۲۴. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحارالأنوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۲۵. مقریزی، احمد بن علی (۱۴۲۰ق)، إمتاع الأسماع، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۲۶. نجفی، محمدحسن (۱۳۷۵)، «ورود کافران به مساجد و اماکن مقدس»، فصلنامه فقه، شماره ۱۰.
۲۷. ـــــــــــ (۱۳۷۷)، «ورود جهانگردان غیرمسلمان به مکان‌های مقدس»، مجله میقات حج، شماره ۱۰.
۲۸. یعقوبی، احمد بن أبی‌یعقوب (۱۳۷۹ق)، تاریخ الیعقوبی، بیروت: دار صادر.

1. Al-Azmeh, S. (2008), The Emergence of Islam in Historical Perspective, Cambridge University Press.
2. Hussein, A. (2021), Islamic Diplomatic Practices in Medina: Historical Insights, Journal of Islamic Studies.
3. Rahman, F. (2022), Jurisprudence and Historical Narratives in Early Islam, Islamic Law and Society.
4. Ahmed, M. (2020), Non-Muslims in the Prophet's Mosque: A Historical and Legal Study, Middle Eastern Studies.